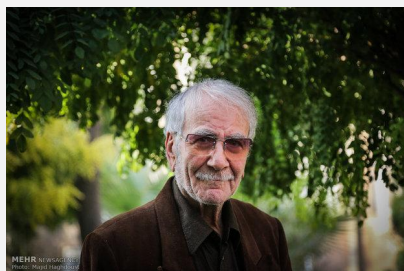


وجدان، شنیدن ندای عقل است

چهره ماندگار فلسفه در برنامه معرفت با بیان اینکه وجدان شنیدن ندای عقل است گفت: لسان و قلب اگر هماهنگ شوند، همه چیز درست می شود آن وقت دیگر نه دروغ است، نه نفاق و نه شیطننت.



چهره ماندگار فلسفه در برنامه معرفت با بیان اینکه وجدان شنیدن ندای عقل است گفت: لسان و قلب اگر هماهنگ شوند، همه چیز درست می شود آن وقت دیگر نه دروغ است، نه نفاق و نه شیطننت.

به گزارش خبرنگار مهر، عصر دیروز جمعه یازدهم فروردین، ماه غلامحسین ابراهیمی دینانی، چهره ماندگار فلسفه و عضو انجمن حکمت و فلسفه در تفسیر یکی از غزل های فخرالدین عراقی در برنامه معرفت که از شبکه چهار سیما روی آنتن رفت، گفت: عیدی چیست؟ در عیدی گرفتن یک مطلبی هست که چون عید هست تازه هم هست ممکن است شما یک چیزی دریافت کنید اما عیدی نباشد. دریافت عیدی در آن تازگی است. عید یعنی تازه؛ نوروز روز نو، چهره نو؛ عیدی هم تازه است.

دینانی افزود: اگر دلت پاک بود چشمت هم پاک می بیند. اگر دلت پاک نباشد، چشمت هم پاک نمی بیند. حالا اگر دل پاک شد، آن وقت همه چیز را در همه چیز می بینید. در هر لحظه همه چیز را در حقیقت می بینید و چقدر وسیع می شود این نگاه. دل اگر پاک شد چشم پاک می بینید آیا اگر دل ناپاک بود چشم پاک می بیند؟ کار چشم دیدن است، اما مرکز دیدن دل است.

عضو انجمن حکمت و فلسفه تاکید کرد: همه مردم از دل صحبت می کنند. حق هم دارند که از دل پاک صحبت کنند. ما گاهی از عقل و فکر صحبت می کنیم، مردم می گویند برو دلت را پاک کن یعنی می خواهند از تعقل و فکر کردن و سختی تعقل فرار کنند. می گویند برو دلت را پاک کن. این سخن مثل شمشیر دو لبه است. از یک طرف صحیح است خب دل پاک معلوم است که خوب است از یک طرف هم فرار کردن از تعقل و تفکر است. اما اشخاصی که اینجور حرف می زنند، دچار اشتباه می شوند، نمی دانند که پاک کردن دل درست فکر کردن است. کسی که دل پاک دارد درست فکر می کند. درست فکر کردن از دل پاک می آید و دل پاک نتیجه درست فکر کردن است.

این استاد دانشگاه در ادامه سخنان خود گفت: گاهی اوقات می شنویم که وجدان خوب داشته باش. وقتی از تفکر و فکر و فلسفه و ابن سینا و سقراط صحبت می کنیم، می گویند برو دلت را پاک کن. برو وجدان خوب داشته باش. این حرف خوبی است، اما آن کسی که این حرف را می زند، باید معنی آن را هم بفهمد. وجدان پاک و خوب داشتن چیست؟ کمتر کسی است که نداند وجدان چیست و در عین حال کمتر کسی هم هست که بداند وجدان خوب معنی اش چیست. معنی فهمیدن وجدان یک مقدار دقیق است.

وی ادامه داد: یک وقت شما فکر می کنید، درس می خوانید، می اندیشید، تلاش می کنید؛ این فکر و تعقل کردن است که اندیشمندان عالم دارند انجام می دهند. یک وقت هم بدون آنکه در فکر کردن خیلی تقلا کنیم یک دفعه یک ندایی از دلت می آید، این را می گوئیم که وجدانم گفت. وجدان آن وقتی است که صدای عقل را از باطن بشنویم. وجدان شنیدن صدای عقل است. از باطن شما یک ندایی می آید، گوش باطن این ندا را می شنود و آن ندای وجدان است. وجدان وقتی است که ندای عقل را از باطن می شنویم و این شنیدن نیاز به تامل نیست. یک وقت هم هست که ما با عقل تفکر می کنیم و یک وقت هم عقل دیگر مجال داوری به شما نمی دهد؛ چون عقل هم گوینده است هم داور. عقل هم حکم می دهد و هم حکم خودش را داوری می کند اما وجدان آن جایی است که عقل حکم صادر می کند. ندا می دهد و قلب آدمی این ندا را می شنود ولی نیازی به داوری نیست. اگر خواستی داوری کنی اینجا تفکر است. منطق است اما گاهی ممکن است عقل مستقیماً ندا دهد و گوش باطن شما بدون داوری دریافت می کند، این وجدان است. وجدان هم خارج از عقلانیت نیست.

چهره ماندگار فلسفه ادامه داد: یک حکیم غربی حرف خوبی زده است، می گوید فکر کردن همان شکر کردن است. تفکر را با شکر یکی دانسته است. می گوید فکر درست و منطقی همان شکر است. می توان گفت فکر کردن یک نوع شکر کردن است. حالا چرا فکر کردن شکر کردن است؟ وقتی انسان درست فکر می کند، به نعمت و عظمت خداوند پی می برد. بدون فکر نمی شود به عظمت خدا پی برد. وقتی شما به عظمت خدا و بخشش و نعمتی که به شما می دهد، فکر کنید و به درستی آن را دریابید، خود این دریافتن یک تشکر است. فکر کردن خودش نوعی تشکر است و

بهترین نوع تشکر است. اگر شما فکر نکنی و تشکر نکنی چه فایده دارد؟ تشکری که از روی آگاهی باشد تشکر واقعی است.

وی با اشاره به حدیثی از امام باقر(ع) گفت: کسی که به تو ستم کرده است درست است که کار ناروایی انجام داده اما او را عفو کن. عفو کردن خیلی بزرگواری می خواهد، شما یک وقت مقابله به مثل می کنید که هر حیوانی می تواند مقابله به مثل کند و این طبیعی است اما عفو بالاتر از طبیعت است. بالاتر از طبیعت بهتر است یا در حد طبیعت ماندن؟ مقابله به مثل همان طبیعت است اما عفو، عبور از مرحله طبیعت است. خطای او را ببخشای، کسی که رابطه اش را با تو قطع کرده است تو به او سلام کن، این خیلی بزرگواری می خواهد از اخلاقیات متعالی انسان است. یک انسانی از روی جهالت و سبک سری چیزی به شما می گوید و شما را به خشم می آورد و این طبیعی است، به خشم آمدن طبیعی است اما اگر حلم بورزی یعنی خشونت و خشم را از خود بزداپی و حلیمانه عمل کنی این بزرگواری است. اگر همین دستورات امام باقر(ع) در جامعه اجرا می شد، آن جامعه گلستان بود و دیگر در آن جامعه ظلم و ستم و ناروایی نبود و اگر این دستورات در کره زمین اجرا می شد، این ناروایی ها و گرفتاری های ملل را نداشتیم. سیاست ها متعادل می شد اما چه کسی است که عمل کند؟! متأسفانه گوش شنیدن نیست و عمل کردن هم به دنبالش نیست.

وی افزود: زبان وقتی اثر دارد و موثر واقع می شود که با دل همراه باشد. ذهن و زبان؛ لسان و قلب اگر هماهنگ شدند همه چیز درست می شود. آن وقت نه دروغ است، نه نفاق و نه شیطننت. هماهنگی زبان با ذهن، دل با قلب این راستی و صراط مستقیم این انسانیت و عدالت است.

دینانی در انتها اظهار داشت: کلمه همت و همت داشتن از کلمات خیلی عمیق است. غالب مردم می دانند که همت داشتن خوب است ولی عمق آن را کمتر می دانند. انسان اراده، اختیار، قصد، علم و آگاهی دارد. این صفات خوب انسان است، اما همت به چه معنی است؟ همت یعنی تمام نیروهای فعال و خوب انسان با هم هماهنگ شوند. یعنی خیالت، حس، عقل، اراده، اختیار همه با هم یک جا هماهنگ شوند. وقتی نفس و بدن همه نیروهای وجودی انسان هماهنگ شد، همت درست می شود. وقتی همه نیروهای درونی و برونی انسان هماهنگ شوند، این همت تمام است و از این همت تمام چه کارهایی که برنمی آید. وقتی انسان عقلش، خیالش، اراده اش هر کدام یک طرف باشد، این پراکندگی است. کسی که پراکنده است همت ندارد، کسی که جمع شد، هدف داشت وحدت داشت جهت یابی کرد و همه نیروها را در یک جهت به کار برد همت دارد.